

## مقایسه ابعاد خودشیفتگی در دختران نوجوان پرخاشگر و غیرپرخاشگر

### Comparison of narcissism dimensions in aggressive and non-aggressive girls

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۷/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۲/۱۶

Peyvastegar M. PhD<sup>✉</sup>, Yazdi SM. PhD  
Mokhtari L. MSc

مهرانگیز پیوسته گر<sup>✉</sup>، سیده منور یزدی<sup>۱</sup>  
لیلا مختاری<sup>۱</sup>

#### Abstract

**Introduction:** Decades of research among aggressive adolescents has revealed that a single factor does not determine people's Aggressive behavior in person. One of the factors closely related to aggression is the personality characteristics of narcissism. Such characteristics are related to different forms of aggression. The main purpose of this research was the comparison of narcissism and its dimensions (adaptive and maladaptive) in aggressive and non-aggressive adolescent girls.

**Method:** The sample included 531 female students (257 aggressive and 274 non-aggressive). They were selected through cluster random sampling method. The instruments used in this study were Ahvaz Aggression Inventory and Narcissistic Personality Inventory. The means of variables in both groups were compared by independent T-test.

**Results:** T-test results showed that non-aggressive adolescent girls had a significant difference in maladaptive narcissism compared with aggressive girls, but there was no significant difference between two groups in adaptive narcissism.

**Conclusion:** We can use narcissism, especially maladaptive narcissism, to predict aggressive behaviors of female students.

**Keywords:** Narcissism, Adaptive Narcissims, Maladaptive Narcissism, Aggression

#### چکیده

**مقدمه:** پژوهش‌های محققان درباره پرخاشگری نوجوانان در دهه‌های اخیر نشان داده است، که یک عامل به تنهایی تعیین‌کننده رفتار پرخاشگری در افراد نمی‌باشد. یکی از عواملی که با پرخاشگری رابطه تنگاتنگ دارد، ویژگی شخصیتی خودشیفتگی است. ویژگی شخصیتی خودشیفتگی با اشکال مختلف پرخاشگری رابطه دارد. هدف اصلی این پژوهش مقایسه خودشیفتگی و ابعاد آن (سازگارانه و ناسازگارانه) در دو گروه دختران نوجوان پرخاشگر و غیرپرخاشگر بود.

**روش:** نمونه این پژوهش شامل ۵۳۱ دانش‌آموز دختر (۲۵۷ دانش‌آموز پرخاشگر و ۲۷۴ دانش‌آموز غیرپرخاشگر) بود که به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده شامل مقیاس پرخاشگری اهواز و پرسشنامه شخصیت خودشیفته بود. میانگین‌های دو گروه، با استفاده از آزمون t برای مقایسه دو گروه مستقل، مورد بررسی قرار گرفت.

**یافته‌ها:** نتایج آزمون t برای مقایسه بین میانگین‌های دو گروه نشان داد، نمرات خودشیفتگی کل و خودشیفتگی ناسازگارانه دختران پرخاشگر به صورت معناداری بیشتر از گروه دختران غیرپرخاشگر است. اما بین دو گروه از نظر خودشیفتگی سازگارانه تفاوت معناداری دیده نشد.

**نتیجه‌گیری:** از خودشیفتگی و به ویژه خودشیفتگی ناسازگارانه می‌توان برای پیش‌بینی پرخاشگری دختران دانش‌آموز استفاده کرد.

**کلیدواژه‌ها:** خودشیفتگی، خودشیفتگی سازگارانه، خودشیفتگی ناسازگارانه، پرخاشگری

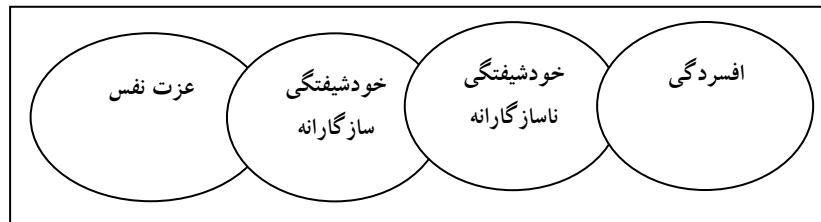
<sup>✉</sup> **Corresponding Author:** Department of Psychology, Educational Sciences and Psychology, Alzahra University, Tehran, Iran  
E-mail: mpaivastegar@Alzahra.ac.ir

<sup>✉</sup> گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران  
۱- گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

## مقدمه

خودشیفتگی آسیب‌شناختی یا اختلال شخصیت خودشیفته است. امروزه تعریف خودشیفتگی به گونه‌ای گسترش یافته که خودشیفتگی سالم را نیز در بر می‌گیرد. خودشیفتگی را می‌توان به صورت یک پیوستار در نظر گرفت که دامنه آن از خودشیفتگی مرضی تا خودشیفتگی سالم است [۱]. این پیوستار از عزت‌نفس در یک انتها شروع و به احساس افسردگی تحلیل برنده در انتهای دیگر منتهی می‌شود (شکل ۱).

در چاپ چهارم راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، افراد خودشیفته کسانی توصیف شده‌اند که رویاهایی نظیر مهم بودن خود، موفقیت بینهایت، قدرت، زیرکی، زیبایی و احساس بزرگ‌منشی دارند. در خودشیفتگی عشق فزاینده به خود وجود دارد و شخص در همه کارها و گفته‌هایش مجذوب خویش است، این تعریف دقیقاً یک مبنای تشخیصی برای



شکل ۱: پیوستار بازنمایی‌های خود از عزت‌نفس تا تشکیل خودشیفتگی و در نهایت افسردگی

از شکست گاه‌گاهی والدین در همدلی با کودک دانسته و آنها را ناکام‌سازی‌های بهینه نامیده است [۴]، به نظر کوهوت شکست همدلی والدین، کودک را برای ساختن ساختارهای روانشناختی مستقل تشویق می‌کند. به عبارت دیگر، بچه‌ها یاد می‌گیرند که چگونه آنچه را که والدین قبلاً برایشان انجام می‌دادند، خودشان انجام دهند. کمبود گاه‌گاهی در میزان همدلی والدین، کودک را در برابر شکست خوردن محافظت می‌کند [۳]. واتسون و همکاران [۲] بعد سازگارانه خودشیفتگی را شامل موارد زیر ذکر نموده‌اند: الف) اطمینان از توانایی‌های خود، ب) نگرش به خود به‌عنوان یک رهبر [۲].

خودشیفتگی سالم یا سازگارانه با اسنادهای اجتماعی و روانشناسی مثبت از قبیل جرأت‌مندبودن، استقلال و اعتماد به نفس [۴] و عزت‌نفس بسیار سالم رابطه دارد [۲]، همچنین افراد را در رسیدن به اهداف و یا شغل موفق کمک می‌کند [۵].

از دیدگاه کوهوت در مقابل ناکامی بهینه، ناکامی مزمن قرار دارد، که نتیجه آن رشد ناسالم شخصیت است [۳]. کلمه مزمن اشاره به محرومیت دائمی و پایدار کودک از پاسخ‌دهنده و همدل‌بودن والدین دارد. نتیجه چنین محرومیتی ناپختگی در رشد «خود» است که این ناپختگی در کژکاری‌هایی از قبیل عزت‌نفس ضعیف، افسردگی و نیاز برای بهره‌کشی و احساس استحقاق دیده می‌شود و چنین حالاتی با خودشیفتگی ناسازگارانه مرتبط هستند [۶]. از منظر دیگر می‌توان گفت، بعد ناسازگارانه خودشیفتگی شامل تمرکز برای به‌دست آوردن موقعیت بالاتر از

در بین دو انتهای شکل ۱، اشکال میانی کارکرد، از اشکال بسیار سازگارانه تا ناسازگارانه خودشیفتگی دیده می‌شود. تفاوت‌های فردی در پویایی‌های «خود» می‌توانند به وسیله سطحی متوسط از کارکرد در برخی نقاط پیوستار و به وسیله گسترده‌ای از بازنمایی‌های ممکن تعریف شود. همان‌طور که در شکل ۱ ملاحظه می‌شود، خودشیفتگی سازگارانه با عزت‌نفس و خودشیفتگی ناسازگارانه همپوشی دارد و خودشیفتگی ناسازگارانه با افسردگی همپوشی دارد [۲].

اغلب مطالعاتی که از فرضیه شکل ۱ حمایت کرده‌اند، از مقیاس شخصیت خودشیفته (NPI) استفاده کرده‌اند. محققان نشان داده‌اند، زیر مقیاس‌های NPI که شامل، رهبری / اقتدار، برتری / تکبر، پذیرش خود / خودمجنوبی، منجر به پیش‌بینی خودشیفتگی سازگارانه و زیر مقیاس‌های بهره‌کشی و احساس استحقاق به صورت پایداری با خودشیفتگی ناسازگارانه همبستگی دارند [۲]. علاوه بر پژوهش‌های مختلف مباحث نظری عمده‌ای در زمینه رابطه خودشیفتگی و پرخاشگری ارائه شده است. کوهوت [۳] در نظریه «خود» گرایش‌های خودشیفتگی را فطری (درون‌زاد) دانسته و تفاوت‌های فردی در خودشیفتگی را ناشی از شیوه فرزندپروری والدین می‌داند. به‌عنوان مثال، والدین پاسخ‌دهنده، کودک را با حس اولیه عشق به خود پرورش می‌دهند [۲]. البته هیچ‌والدی نمی‌تواند به صورت کامل پاسخ‌دهنده و همدل باشد و به همین دلیل والدین بعضی اوقات، کودک را ناکام ساخته و محدودیت‌هایی را از خود نشان می‌دهند که چنین رفتارهایی منجر به ناامیدی کودک می‌شود [۳]. کوهوت رشد خودشیفتگی سازگارانه را ناشی

دیگران، تمایل برای بهتر و مهم‌تر جلوه کردن و نیاز برای دریافت توجه و تحسین دیگران است [۷]. خودشیفتگی ناسازگاران، همبستگی قوی با ناسازگاری اجتماعی [۷]، خودبزرگ‌بینی، جستجوی قدرت [۶]، خودارزشمندی پایین [۸]، عزت‌نفس آشکار بالا و عزت‌نفس پنهان پایین [۹] دارد.

رابطه خودشیفتگی با پرخاشگری یکی از مباحثی است، که در سال‌های اخیر مورد بررسی محققان قرار گرفته است. پرخاشگری طیفی از تحریک‌پذیری تا خشم شدید را در بر می‌گیرد. در واقع پرخاشگری نوعی دفاع از «خود» است. محققان مختلف گزارش نموده‌اند از میان انواع مختلف شخصیت، متغیر خودشیفتگی رابطه مستحکمی با پرخاشگری دارد [۶]. برخی محققان رابطه بین خودشیفتگی ناسازگاران و پرخاشگری را از طریق نظریه خودستایی تهدیدشده تشریح کرده‌اند. براساس این نظریه کارکرد پاسخ‌های پرخاشگرانه، حفظ ادراک مطلوب غیرواقعی درباره خود به وسیله رد فعالانه اطلاعات منفی دریافت شده از یک منبع بیرونی است [۱۰]. اسلاتر [۶] در تبیین رابطه خودشیفتگی و پرخاشگری به توضیح ویژگی‌های احساس استحقاق و بهره‌کشی خودشیفتگی (یعنی ابعاد ناسازگاران) پرداخته و معتقد است که بالا بودن نمرات فرد در این دو ویژگی با اختلالات شخصیت پارانوئید و پرخاشگر همبستگی دارند. لاک و همکاران [۸] اظهار نموده‌اند که خودشیفتگی ناسازگاران با ویژگی‌های سنگدلی رابطه دارد. لاک رابطه بین خودشیفتگی و پرخاشگری را با استفاده از قالب انسانیت‌زدایی کردن از دیگران تشریح کرده است. وی بر این عقیده است، که افراد خودشیفته، از دیگران انسانیت‌زدایی نموده و چنین مفهوم سازی‌هایی بر پرخاشگری بیشتر آنها تأثیرگذار است. برای مثال، محققان نشان داده‌اند، وقتی که افراد طرف مقابل‌شان را با عبارت‌های انسانیت‌زدایی شده و حیوانی توصیف می‌کنند، بیشتر احتمال دارد که از شدت‌های بالاتر شوک برای تنبیه عملکرد ضعیف آنها استفاده نمایند [۸]. در دیدگاه خودشیفتگی و پرخاشگری، شخص بسته به میزان خودشیفتگی‌اش، ادراکی دوگانه از وقایع داراست. برای او تنها خودش و آنچه منسوب به اوست دارای اهمیت است و بقیه جهان برای او کم و بیش بی اهمیت یا بی‌رنگ است [۷]. اگر دیگران با اهمیت ندادن، انتقاد از او و یا به رخ کشیدن چیز نادرستی که گفته، شکست او در بازی و... خودشیفتگی‌اش را جریحه‌دار کنند، از آنجائی که فرد خودشیفته، خود را موجودی خارق‌العاده می‌داند، در شرایطی که ویژگی‌های فوق‌العاده‌اش (البته از دید خودش) مورد تهدید قرار گیرد، معمولاً با عصبانیت یا خشم شدید واکنش

نشان می‌دهد [۷].

افراد خودشیفته از پرخاشگری به‌عنوان وسیله‌ای برای به‌دست آوردن احترام، تلافی در برابر اهانت یا آسیب دیگران استفاده می‌کنند [۱۱].

اما چه چیزی در دوره نوجوانی این دو متغیر را بهم مرتبط می‌نماید؟ تغییرات شناختی دوره نوجوانی با تغییرات شخصیتی نظیر، بی‌نظیر بودن و احساس آسیب‌ناپذیری همراه است [۶]. ورود به دوره نوجوانی با تشکیل تفکر انتزاعی همراه است. تفکر انتزاعی منجر به حالت خود محوری در دختران نوجوان می‌گردد. براساس نظر محققان [۱۲]، یکی از پیامدهای خود محوری، این احساس است که «تجارب من بی‌نظیر است و دیگران آن را درک نمی‌کنند». اعتقاد به بی‌نظیر بودن، تا حدودی برخی از رفتارهای بی‌ملاحظه نوجوانان را توجیه می‌نماید.

در این دوران، نوجوانان بسیار حساس هستند و اگر احساس کنند، مورد تائید دیگران نیستند، رفتارهای پرخاشگرانه نشان می‌دهند [۶]. کرامر و جونز [۱۳] به این نتیجه رسیدند که وقتی خودانگاره برتر در نوجوانان خودشیفته مورد تهدید قرار می‌گیرد بسیار پرخاشگرانه واکنش نشان می‌دهند.

اگرچه پرخاشگری دختران نوجوان از عوامل متعددی تأثیر می‌پذیرد اما نمی‌توان نقش خودشیفتگی را در آن نادیده گرفت. لذا با توجه به پیشینه پژوهش و این موضوع که خودشیفتگی در بروز پرخاشگری دختران نوجوان جایگاه ویژه‌ای دارد. پژوهش حاضر به منظور کاهش رفتارهای پرخاشگرانه و ارتقا سلامت روانی آنها بر آن است تا به بررسی و مقایسه این موضوع بپردازد، که آیا میان خودشیفتگی (سازگاران و ناسازگاران) دختران پرخاشگر و غیرپرخاشگر تفاوت معناداری وجود دارد؟

## روش

طرح استفاده شده در این پژوهش توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این تحقیق، شامل کلیه نوجوانان دختر ۱۳-۱۸ ساله شهر تهران بودند که در سال تحصیلی ۸۸-۸۹ مشغول به تحصیل بودند. روش نمونه‌گیری در تحقیق حاضر، نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای بود. به منظور گردآوری داده‌های مورد نیاز درباره جامعه، از بین مناطق متوسط از لحاظ اقتصادی اجتماعی دو منطقه انتخاب و در مناطق انتخاب شده به‌طور تصادفی چند دبیرستان انتخاب و از آن دبیرستان‌ها چند کلاس به‌صورت تصادفی انتخاب و در نهایت به تعداد مساوی و به‌طور تصادفی، ۶۰۰ نفر نمونه از مدارس انتخاب شدند. از آنجا که برخی پرسشنامه‌ها به‌طور ناقص تکمیل شده بود، تعدادی از آنها

شد و مشتمل بر ۳۰ ماده است که ۱۴ ماده آن عامل خشم و ۸ ماده آن عامل تهاجم و ۸ ماده، عامل کینه‌توزی را می‌سجد. نمره میانگین این آزمون برای تمایز بین پرخاشگر و غیرپرخاشگر ۴۵ است. ضرایب بازآزمایی به‌دست آمده بین نمره‌های آزمودنی‌ها در دو نوبت ۰/۷۰ بوده است. همچنین در این مقیاس ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۷ بوده است. برای سنجش روایی مقیاس از اجرای همزمان چند مقیاس همزمان از جمله پرسشنامه چند جنبه‌ای شخصیتی مینه‌سوتا MMPI، پرسشنامه افسردگی بک BDI، و پرسشنامه شخصیتی آیزنک EPO استفاده شد. که ضرایب همبستگی این مقیاس با مقیاس‌های نامبرده معنادار بود که در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که ضرایب روایی این مقیاس رضایت‌بخش می‌باشد [۰/۱۵] به‌علاوه ضریب اعتبار پرسشنامه مذکور، در تحقیق حاضر با استفاده از روش دو نیمه کردن، ۰/۸۳ به‌دست آمد.

تحلیل داده‌ها با استفاده از آمار توصیفی، یعنی محاسبه میانگین و انحراف استاندارد و آمار استنباطی یعنی آزمون  $t$  برای مقایسه دو گروه مستقل صورت گرفت.

#### یافته‌ها

بیشترین افراد نمونه مورد مطالعه تحصیلات دبیرستانی داشتند ۴۰/۹ درصد (۲۱۹ نفر)، بعد از آن دانش‌آموزان مقطع راهنمایی ۳۲ درصد (۱۷۱ نفر)، و ۲۶/۴ درصد (۱۴۱ نفر) دانش‌آموزان در مقطع پیش‌دانشگاهی به تحصیل مشغول بودند.

جدول شماره ۱ مقایسه تفاوت بین میانگین نمرات خودشیفتگی (سازگارانه و ناسازگارانه) در دو گروه دختران (پرخاشگر و غیرپرخاشگر) را با استفاده از آزمون  $t$  مستقل نشان می‌دهد.

کنار گذاشته شدند، بدین ترتیب تعداد نمونه نهایی ۵۳۱ نفر شد. پرسشنامه‌های مورد نظر در بین دانش‌آموزان به‌صورت گروهی و یک جا به آنها داده شد. در ضمن موارد اخلاقی و جنبه‌های رازداری برای آنها توضیح داده شد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات عبارت بودند از:

پرسشنامه شخصیت خودشیفته (NPI): این پرسشنامه در سال ۱۹۷۹ توسط راسکین و هال ارائه گردید و به‌منظور اندازه‌گیری تفاوت‌های فردی در جامعه غیر بیمار طراحی شده است. ساختار سؤال‌های این پرسشنامه، دو گزینه‌ای است و پاسخ دهنده باید یکی از دو گزینه را که بیشتر با ویژگی‌های خود منطبق می‌داند، انتخاب کند. فرم کنونی NPI دارای ۴۰ سؤال است [۱۴]. راسکین، در سال ۱۹۷۹ با استفاده از روش دو نیمه کردن، ضریب اعتبار NPI را ۰/۸۰ گزارش کرده است و در سال ۱۹۸۸ با استفاده از روش آلفا، اعتبار NPI را به‌عنوان یک ساختار کلی ۰/۸۳ به‌دست آورد. در مطالعه جوادی [۱۴] ضریب اعتبار در دختران ۰/۸۲ و در پسران ۰/۸۴ بوده است؛ به‌منظور بررسی اعتبار NPI در ایران از روش آزمون مجدد استفاده شده است که ضریب به‌دست آمده از این بررسی ۰/۹۱ می‌باشد. در تحقیق حاضر با استفاده از روش دو نیمه کردن، ضریب اعتبار پرسشنامه خودشیفتگی، ۰/۸۱، ضریب اعتبار مقیاس خودشیفتگی سازگارانه، ۰/۷۵ و ضریب اعتبار مقیاس خودشیفتگی ناسازگارانه ۰/۶۹ به‌دست آمد. دامنه نمرات این پرسشنامه از صفر تا ۴۰ می‌باشد و فردی که بالاتر از میانگین نمره می‌گیرد دارای خودشیفتگی بیشتری است. در این نمونه میانگین خودشیفتگی افراد ۱۷/۶۵ بود و افرادی که بالاتر از آن نمره گرفته‌اند، خودشیفته‌ترند.

مقیاس پرخاشگری اهواز Ahvaz Aggression Inventory (AAI): این پرسشنامه توسط زاهدی‌فر در سال ۱۳۷۵ ساخته

جدول ۱- آزمون  $t$  مستقل برای سنجش معناداری نمره خودشیفتگی سازگارانه و ناسازگارانه افراد پرخاشگر و غیرپرخاشگر

گروه‌ها	خود شیفتگی سازگارانه		خود شیفتگی ناسازگارانه	
	انحراف استاندارد	T	انحراف معیار	T
غیرپرخاشگر	۲/۵	۰/۲۲۵	۲/۹۲	۵/۰۰۶
پرخاشگر	۲/۶	۰/۴۹	۲/۸۹	۰/۰۰۱

دختران دانش‌آموز پرخاشگر و غیرپرخاشگر بوده است. یافته‌ها حاکی از آنند که میانگین نمرات خودشیفتگی ناسازگارانه دختران پرخاشگر به‌صورت معناداری بالاتر از گروه دختران غیرپرخاشگر است. نتایج این پژوهش با تحقیقات پیشین هماهنگ است [۱۴، ۱۵]. این یافته‌ها بیانگر آن است که خودشیفتگی ناسازگارانه با پرخاشگری و خشونت رابطه دارد [۱۰]. در تبیین این موضوع بامیستر

همانطور که داده‌های جدول شماره ۱ نشان می‌دهد، بین افراد پرخاشگر و غیرپرخاشگر از نظر خودشیفتگی سازگارانه تفاوت معناداری وجود نداشته، اما از نظر نمره خودشیفتگی ناسازگارانه میان آنها تفاوت معنادار است.

#### بحث

هدف اساسی پژوهش حاضر مقایسه ابعاد خودشیفتگی در

این مطالعه محدودیت‌هایی نیز داشته است؛ از جمله اینکه خودشیفتگی و پرخاشگری بر مبنای روش‌های خودسنجی (پرسشنامه) اندازه‌گیری شده‌اند، بنابراین برخی از نتایج را ممکن است وارپانس مشترک توضیح دهد؛ برای مثال افرادی که دارای ویژگی خودشیفتگی بیشتری هستند ممکن است تمایل به گزارش پرخاشگری بیشتری داشته باشند. به همین دلیل بهتر است از سایر روش‌های گردآوری اطلاعات نظیر مصاحبه و مشاهده نیز استفاده شود. از آنجا که نمونه مورد پژوهش شامل گروه دختران دانش‌آموز بود، لذا پیشنهاد می‌گردد، مشابه آن در گروه پسران و افراد سایر مقاطع سنی نیز بعمل آید.

### نتیجه‌گیری

با توجه به نتایج حاصل شده یعنی رابطه میان خودشیفتگی و پرخاشگری روانشناسان می‌توانند با تهیه درمان‌های رفتاری مناسب برای کاهش رفتارهای خودشیفتگی ناسازگاران (مثل تأکید بر پاسخ‌های مناسب به تهدیدات، انتقاد و فیدبک‌های منفی) برخی از مشکلات رفتاری برون‌ریزی را در مراجعان نوجوان کم کرده و همچنین از مشکلات آتی پرخاشگری در جامعه جلوگیری کنند.

### تشکر و قدردانی

این تحقیق با استفاده از اعتبارات معاونت پژوهشی دانشگاه الزهرا انجام شده است. لذا بدین وسیله از معاونت محترم پژوهشی این دانشگاه و نیز کلیه دختران دانش‌آموز که در این پژوهش با ما همکاری نمودند، سپاسگزاری و قدردانی می‌گردد.

### منابع

- 1- Brown N. Children and narcissistic parents: How to break the victim of narcissistic parents. Translated by Ghorbani M. Tehran: Panjere publishing; 2007. [Persian]
- 2- Trumpeter NN, Watson PJ, O'Leary BJ, Weathington B. Self-functioning and perceived parenting: Relations of parental empathy and love inconsistency with narcissism, depression and self-esteem. *J Genet Psychol: Res Theor Hum Dev*, 2008; 169(1):51-71.
- 3- Kohut H. The restorations of self. Connecticut: International Universities Press; 1977.
- 4- Martinez MA, Zeichner A, Reidy DE, Miller JD. Narcissism and displaced aggression: Effects positive, negative and delayed feedback. *J Pers Individ Diff*, 2008; 44(1):140-9.
- 5- Pincus AL, Caine NM, Ansel EB. Narcissism at the crossroads: Phenotypic description of pathological narcissism across clinical theory, social/ personality psychology, and psychiatric diagnosis. *J Clin Psychol Rev* 2008; 28(4): 638-56.
- 6- Slater L. The trouble with self-esteem: Maybe thinking highly of yourself is the real problem. New York

[۱۱] اظهار داشته، افراد خودشیفته بسیار مستعد پرخاشگری هستند؛ زیرا آنها معتقدند که نسبت به دیگران ویژگی‌های انسانی بیشتری دارند و هر قدر که افراد خودشان را برحسب ویژگی‌های مطلوب درک کنند، امکان پیش‌بینی پرخاشگری در آنها بیشتر است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، خودشیفتگی ناسازگاران نه تنها در گروه‌های در معرض خطر [۱۲] بلکه در نمونه‌های عادی نیز متغیری مهم در بروز پرخاشگری دانش‌آموزان دبیرستانی محسوب می‌شود. تبیین این یافته به مدد بسیاری از نظریه‌های روانشناسی به‌خصوص روانشناسی «خود» و روانشناسی رشد امکان‌پذیر است. از دیدگاه خودستایی تهدیدشده، پرخاشگری نوعی دفاع از خود است. زمانی که فرد با ارزیابی منفی دیگران مواجه می‌شود با خشم در مقابل دیدگاه دیگران از خود دفاع می‌کند. بامیستر [۱۱] معتقد است افراد خودشیفته خودپنداشت بسیار شکننده‌ای دارند و بسیار تلاش می‌کنند تا از خودپنداشت خود در قبال هر چیزی دفاع کنند. نمونه مورد مطالعه این پژوهش دختران نوجوان دبیرستانی هستند. یکی از تغییرات این دوره تمایل نوجوانان به جلب توجه دیگران است (به‌عنوان مثال، من مایل هستم همیشه مورد توجه دیگران قرار بگیرم) [۱۷]. به همین دلیل در این دوره قضاوت و ارزیابی دیگران برای آنها اهمیت حیاتی دارد. برخوردهای دیگران در این مرحله «خود» نوجوانان را بیشتر از زمان‌های دیگر در معرض تهدید قرار می‌دهد. به همین دلیل نوجوانانی که «خودانگار» برتر «آنها مورد تهدید قرار می‌گیرد، بسیار خشمگینانه و پرخاشگرانه واکنش نشان می‌دهند [۱۳].

همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، میان خودشیفتگی سازگاران در دختران پرخاشگر و غیرپرخاشگر تفاوت معناداری وجود ندارد. این نتایج با داده‌های گلریمی و باری [۱۷] ناهم‌هنگ می‌باشد. این محققان اظهار نموده‌اند، نوجوانانی که سطوح بالاتری از خودشیفتگی سازگاران را دارا هستند، به دلیل دارا بودن شایستگی‌های اجتماعی قادر به برقراری روابط اجتماعی با دیگران بوده و کمتر دچار اضطراب و افسردگی و پرخاشگری می‌شوند. در تبیین این مغایرت می‌توان به یافته‌های برخی محققان استناد نمود. این محققان نشان داده‌اند که خودشیفتگی سازگاران بیشتر با اسنادهای اجتماعی و روانشناسی مثبت از قبیل جرأت‌مندی، استقلال و اعتماد به نفس رابطه دارد [۳]، به همین دلیل به نظر نمی‌رسد بین دختران پرخاشگر و غیرپرخاشگر از نظر ویژگی‌هایی چون اعتماد به نفس، استقلال، جرأت‌مندی تفاوت معناداری وجود داشته باشد. بنابراین خودشیفتگی سازگاران نمی‌تواند دو گروه (دختران پرخاشگر و غیرپرخاشگر) را از هم جدا نماید [۷].

- Psychol Sci Public Interest. 2003; 4(1):1-44.
- 12- Barry CT, Pickard JD, Ansel LL. The associations of adolescent invulnerability and narcissism with problem behaviors. *J Pers Individ Diff*. 2009; 47(6):577-82.
- 13- Cramer P, Jones CJ. Narcissism, identifications and longitudinal change in psychological health: Dynamic predictions. *J Res Pers*. 2008; 42(7):1148-59.
- 14- Javadi F. Comparison creativity of narcissistic and non-narcissistic students of Tehran high schools. Ms Thesis, University of Allameh-Tabatabai; 1996. [Persian]
- 15- Zahedifar Sh. Construction and validation of a scale to measure aggression. *Psychol J Shahid Chamran University*; 2000; 2 73-102. [Persian]
- 16- Brry CT, Frick PJ, Killian AL. The relation of narcissism and self-esteem to conduct problems in children: A preliminary investigation. *J Clin Child Adolescent Psychol*, 2003; 32(1):139-52.
- 17- Golmaryami FN, Barry CT. The associations of self-reported and peer-reported relational aggression with narcissism and self-esteem among adolescents in a residential setting. *J Clin Child Adolescent Psychol*, 2010; 39(1):128-33.
- Times M, 2002; 6:44-50.
- 7- Thomaes S, Bushman B, Stegg H. Narcissism, self-esteem, shame and aggression in young adolescents. *J Pers Assess-Martinez M A, Zeichner A, Reidy D E, Miller J D*. Narcissism and displaced aggression: Effects positive, negative and delayed feedback. *J Pers Individ Diff*, 2008; 44: 140-49.
- 8- Lock KD. Aggression, narcissism, self-esteem and the attribution of desirable and humanizing traits to self-versus others. *J Res Pers*. 2009; 43(1): 90-120.
- 9- Caine NM, Pincus AL, Ansel EB. Narcissism at the crossroads: Phenotypic description of pathological narcissism across clinical theory, social/ personality psychology, and psychiatric diagnosis. *J Clin Psychol Rev*, 2008; 28(4):638-56.
- 10- Washburn JJ, McMahon SD, King CA, Reinecke MA, Silver C. Narcissistic features in young adolescents: Relations to aggression and internalizing symptoms. *J Youth Adolescence*. 2004, 33:247-60.
- 11- Baumeister RF, Campbell JD, Krueger JI, Vohs KD. Does high self-esteem cause better performance interpersonal success, happiness, or healthier lifestyles? *J*